



مهدها یا پدربزرگها و مادربزرگها/ کودک در دوراهی امنیت و مهارت

روانشناسان معتقدند که کودکانی که به جای مهد کودک نزد پدر و مادر بزرگ هایشان بزرگ می شوند مفهوم عمیق تری از خانواده در ذهنشان نقش می بندد.

روانشناسان معتقدند که کودکانی که به جای مهد کودک نزد پدر و مادر بزرگ هایشان بزرگ می شوند مفهوم عمیق تری از خانواده در ذهنشان نقش می بندد.

به گزارش خبرنگار مهر، سالهاست که سبک زندگی ایرانی ها تغییر کرده است. مادران چون گذشته نیستند و کمتر در خانه می مانند و برای نگهداری از فرزندانشان از مهدهای کودک و یا والدینشان کمک می گیرند. در این میان بسیاری از خانواده ها در برزخی میان نگهداری کودکانشان توسط والدینشان و آموزش و نگهداری در مهدهای کودک مانده اند.

به گفته کارشناسان بهترین سن کودکان برای رفتن به مهدکودک بین ۲ تا ۶ سالگی است. در این سن کودکان نیازمند و آماده آموزش و مهارت های اجتماعی هستند. اما بردن به مهد کودک با امکانات متفاوت و گاهی غیرقابل اطمینان و یا ماندن در کنار پدربزرگ و مادربزرگ ها تبدیل به دغدغه ای میان پدران و مادران جوان و شاغل شده است.

برخی امنیت و اطمینان خاطر، دستیابی به احساس هویت خانوادگی، افزایش اعتماد به نفس به خاطر مهربانی بی دریغ پدر و مادر، شور و نشاط کودکان را مهمترین مزایای پدربزرگ و مادربزرگ ها در نگهداری نوه هایشان می دانند و برخی هم لوس شدن نوه ها، اختلاف در شیوه تربیت، اذیت شدن پدربزرگ و مادربزرگ ها، عادی شدن غیبت پدر و مادر، نبود همسالان در خانه پدربزرگ ها را از معایب این روش برمی شمارند.

در این میان کارشناسان و روانشناسان معتقدند که بزرگ شدن کودکان در کنار پدران و مادرانشان از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا با رشد تکنولوژی و تغییر سبک زندگی افراد، آنها گرایش زیادی به زندگی های فردی دارند و بودن نوه ها در کنار پدربزرگ و مادربزرگ هایشان، سبب بیشتر شدن روابط عاطفی میان خانواده ها می شود.

دکتر ریحانه امینی جامعه شناس و استاد دانشگاه در این باره می گوید: بهتر است والدین فرزندانشان را به دست کسانی بسپارند که مورد علاقه و توجه واقع شوند. همین علاقه فراوان، باعث ایجاد اطمینان خاطر در والدین می شود.

نگهداری فرزندان توسط مادربزرگها خلا روابط خانواده ها را جبران می کند

به گفته این جامعه شناس؛ این روزها بیشتر خانواده ها جمعیت کمی دارند، به همین خاطر بودن کودک در کنار پدربزرگ و مادربزرگ، خود می تواند تا حدودی باعث شکل گیری عمیق تر مفهوم خانواده در ذهن کودک بشود و تجربه داشتن خانواده ای بزرگ و مهربان را برای او به وجود بیاورد.

امینی به احساس امنیت و اعتماد به نفس فرزندان در کنار والدین پدر و مادرشان اشاره می کند و می گوید: پدربزرگ و مادربزرگ جزء کسانی هستند که بچه ها را همانطور که هستند دوست دارند و از شیطنت های آنان چندان عصبانی و ناراحت نمی شوند. این موضوع باعث افزایش اعتماد به نفس در بچه ها می شود.

معایب نگهداری فرزندان توسط پدربزرگ ها و مادربزرگ ها

به نظر می آید ترکیبی از این مهدکودک و نگهداری پدربزرگ و مادربزرگ ها بهترین نسخه برای کودکانی است که مادران شاغل دارند

این جامعه شناس به معایب نگهداری کودکان توسط پدربزرگ و مادربزرگ ها اشاره می کند و می گوید: کاملاً مشخص است که پدربزرگ و مادربزرگ، نوه های شان را از صمیم قلب دوست دارند. همین دوست داشتن می تواند باعث شود تا بچه ها لوس بار بیایند، چرا که پدربزرگ و مادربزرگ نمی توانند آن طور که پدر و مادر انتظار دارند با بچه ها قاطع باشند و یا مثلاً در جایی که لازم است آنها را تنبیه کنند.

تفاوت سلیقه ها و رویکردها با توجه به گذار سریع بین نسلی، شاید در این زمینه آسیبزا باشد. امینی با تأیید این موضوع

می‌گوید: به خاطر تفاوت نسلی، بین ما و پدر و مادرمان اختلافات زیادی هست. این اختلافات در شهرهای بزرگ‌تر، بیشتر هم می‌شود. همین تفاوت‌ها می‌تواند باعث بروز دوگانگی در شیوه تربیت بچه‌ها بشود؛ شیوه‌ای که پدر و مادر اعتقاد دارند و به آن عمل می‌کنند، در مقابل شیوه پدربزرگ و مادربزرگ. و این اختلاف ممکن است در آینده مشکلات جدی به وجود بیاورد.

بهترین سن برای رفتن کودکان به مهدکودک ۲ تا ۶ سال است

آذردخت داوری روانشناس کودکان موافق سخنان دکتر امینی درباره معایب نگهداری کودکان توسط پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایشان نیست. این روانشناس کودک درباره مزایای رفتن و نرفتن به مهدکودک این چنین می‌گوید: بهترین سن برای رفتن کودکان به مهدکودک ۲ تا ۶ سال است. البته رفتن و نرفتن به مهدکودک مزایایی دارد. رفتن کودکان به مهدکودک سبب آموزش و یادگیری بیشتر و همچنین آشنایی با مهارت‌های جدید می‌شود و نرفتن به مهد و ماندن در کنار پدربزرگ و مادربزرگ‌ها، سبب ایجاد امنیت و آرامش در کودکان می‌شود.

وی در ادامه به مزایای زندگی کودکان با پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: بهترین شرایط عاطفی برای کودکان بعد از پدر و مادر، زندگی با پدربزرگ و مادربزرگ‌هاست. زیرا این وضعیت، برای آنها یک بستر عاطفی همچون زندگی واقعی با پدران و مادرانشان را تداعی می‌کند و کودک از نظر عاطفی دچار بحران نخواهد شد. بهتر است کودکان به جای رفتن به مهد، نزد پدربزرگ و مادربزرگ‌هایشان باشند و این از لحاظ روانی، امنیتی، احساسی و بهداشتی بسیار قابل قبول‌تر است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا نرفتن به مهد و ماندن در کنار پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها سبب عقب افتادن کودکان از مهارت‌های اجتماعی می‌شود، می‌گوید: قصه‌هایی که پدربزرگ و مادربزرگ‌ها می‌گویند کمتر از آموزش‌های مهارتی در مهد نیست. مگر غیر این است که در مهد برای بچه‌ها داستان می‌خوانند؟ در کنار پدربزرگ و مادربزرگ‌ها هم همین اتفاق می‌افتد. درست است که کودکان از سه سالگی به بعد، میل به بازی با هم‌سالان و اجتماعی شدن دارند، اما برای حل این مورد در محیط خانواده هم راهکار وجود دارد و پدران و مادران می‌توانند فرزندانشان را هفته‌ای ۲ یا سه روز به مهدکودک یا خانه‌های بازی و یا هر جایی که کودکان در آنجا حضور دارند، ببرند.

به گفته این روانشناس، مهدکودک مشکلاتی دارد که بیش از امتیازهایش است. در مهدها، کودکان با تربیت‌های متفاوتی حضور دارند، مربیان از تخصص کافی برخوردار نیستند، نیاز عاطفی توسط مربیان برای کودکان برآورده نمی‌شود، مربیان احساس مادری ندارند، تغذیه کودکان بدغذا با مشکل مواجه می‌شود. همه اینها مضراتی است که بودن در کنار پدربزرگ و مادربزرگ‌ها را بیش از پیش ضرورت می‌بخشد.

این روانشناس کودک توصیه می‌کند: بهتر است زوج‌هایی که می‌توانند فرزندانشان را در کنار والدین خود بگذارند، از این نعمت بهره‌مند شوند و کودکان را از وجود آنها محروم نکنند.

می‌گویند نوه شیرین‌تر از فرزند است و پدربزرگ و مادربزرگ‌ها اگر توانی برایشان باقی مانده باشد ترجیح می‌دهند خود نوه‌هایشان را بزرگ کنند. به نظر می‌آید ترکیبی از حضور کودک در مهدکودک و نگهداری پدربزرگ و مادربزرگ‌ها بهترین نسخه برای کودکانی است که مادران شاغل دارند. ساعتی در روز در کنار هم‌سالان بازی کنند و آموزش ببینند و انرژی خود را تخلیه کنند و زمانی هم در گرمای عشق پدربزرگ و مادربزرگ‌ها منتظر آمدن والدینشان شوند.